

## اورامان

### ماسوله فراموش شده گُردستان

روزنامه ایران

«اورامان تخت» در انت‌های جاده آسفالته‌ای است که در آن‌جا پشت بام خانه‌ای، حیاط خانه‌ای دیگر است، روستایی با قدمت چند صدساله با فرهنگ و آدابی که یادگار دوران زرتشت است. گُردستان سرزمین ایرانیان اصیل، میهمان نواز و مهربان است. مردمی که بکر می‌زیند و عشیره‌ای. کوچ هنوز به سبک طبیعت در میان این مردم معنای خود را حفظ کرده، از پای کوه به دامنه و ارتفاعات بلندتر و بالعکس. خداوند، نعمت‌های خود را به تمامی مردم این دیار بخشیده است. «طبیعت ما در زندگی ست» و دآمداری اورامانی‌ها در همین جا ریشه دارد، هوای معتدل کوهستانی در این دیار ۵ هزار نفری شور و شغف به پا می‌کند و چشمه‌های فراوان، زایش هر لحظه را، گونه‌ای به تصویر ذهن می‌کشاند.

درخت‌های پهن برگ بلوط و پسته وحشی نیز، یکی از گونه‌های بسیار زیبای طبیعت را بر لوح این سرزمین، حک کرده است. گونه‌های جانوری متعدد و بسیاری مشاهده می‌شود و زیباتر، سنجاب ایرانی است که در سکوت متین جنگل با شیطنت‌هایش، شور کودکی را یادآور می‌شود.

گل‌های نیلوفر کبود (زرد) در کنار سراب‌ها مخیله بیننده را تا جنون زیبا دوستی پیش می‌برد. گیاهان دارویی این منطقه چنان گستردگی دارد که انگار طب اورامان نیازی به داروهای شیمیایی ساخت انسان ندارد.

چشمه‌های بل و اورامان، بزرگ‌ترین سراب‌های این خیالند، بزرگ‌ترین سراب‌های این شهر خیال و رویا. هر جا چشمه‌ای، زایشی و زلالی آبی بوده، شهری بنا شده و تا زمانی که این سبزی‌نگی، رنگ بودن خود را حفظ کند، مردمان، سبز و جاوید می‌زیند.

اورامان، خاستگاه قومی است که هنوز به پوشش کردی خود مقیدند. مردمان اصیل، نجیب و استوار که در مرز ایران از شرق با کرمانشان، از غرب با عراق از شمال با گُردستان و از جنوب با جوانرود همسایه‌اند و به ایرانی بودن خود می‌بالند.

در اطراف اورامان کوه خضر که به روایتی محل سکونت خضر پیامبر علیه السلام بوده است، دریاچه‌های اندیشه را پیرامون این پیامبر بزرگ و خاطراتش به تکاپو وا می‌دارد.

اورامان که گویی ماسوله‌ای در غرب کشور است اصالت خود را حفظ کرده و در کنار طبیعت زیبای آن، مدنیت و شهرنشینی منطقه زیبایی خاصی به هزار ماسوله داده است.

واژه اورامان یا هورامان از ۲ بخش اهورا و مان به معنی خانه، جایگاه و سرزمین تشکیل شده است. پس اورامان یعنی سرزمین اهورایی و جایگاه اهورا مزدا. هور معنی دیگری هم دارد. هور در اوستا به معنی خورشید است. هورامان را می‌توان جایگاه خورشید هم معنی کرد. معماری اورامانات و سرسبزی این منطقه کوهستانی رؤیای پله‌هایی به سمت بهشت را متصور می‌کند.

خانه‌های این روستا با سنگ و اغلب به صورت خشکه و به صورت پلکانی ساخته شده است. مردم منطقه معتقدند اورامانات تخت زمانی شهری بزرگ بوده و مرکزی خاص داشته به همین دلیل از آن به عنوان تخت یا مرکز (حکومت) ناحیه‌ای اورامان یاد می‌کرده‌اند.

به غیر از وضع خاص روستا از نظر معماری، موقعیت چشمه‌های پرآب، مراسم خاص و آداب و رسوم و وجود مقبره و مسجد پیر شالیار و بویژه جمعیت و تعداد سکنه قابل توجه ان نشانگر اهمیت منطقه از زمان ساسانی است. پوشاک گُردی آمیزه‌ای از رنگ و نقش است. لباس مردم اورامانات گُردی است. پیش از ورود پارچه و کفش‌های خارجی و سایر منسوجات داخلی به استان گُردستان، بیشتر پارچه‌ها و پای افزار مورد نیاز آن‌ها از سوی بافندگان و دوزندگان محلی بافته و ساخته می‌شده است. ساخت پای افزار گیوه یا گلاش یا کالی بر عهده اوراماناتی‌ها و مردم و آبادی‌های هجیع، نودشه، بوده و بافت را مردم آبادی‌های نوسود شهرستان پاوه بر عهده داشته‌اند.

جولایی، بافت، پارچه و انواع منسوجات مانند بوزو، ربال، جاجیم، بره بوشمین، موج، جوراب، دستکش، زنگال و کلاه انواع دستبافت‌های این منطقه هستند. مردان گُرد اورامانی چوخه، پانتول، ملکی شال، دستار، فرنجی و کله بال و زنان آن جانی، کلنجه، شال، کلاه و کله می‌پوشند. انواع این لباس‌ها با زیورآلات مختلف تزیین شده‌اند و رنگارنگ هستند.

قارچ، کرفس، کنگر، ریواس، خوژه، پنیر، شیر، عسل، گردو، انجیر مواد غذایی این منطقه را تشکیل می‌دهند. پلو، دوغ و یا آش دوغ، ساوار، گردول، ترخینه، دوختن یا آش گزنه، هتیمچه با گوشت گوسفند، شروا، گرما، رشته پلو، رشته رون یک آبه، پرشین، شلغم ترش، و کلانه، از غذاهای اورامانی است.

از تولیدات هنرهای سنتی مانند گلیم، سجاده، نمد، سبد، گیوه به عنوان سوغات این محل نام برد، اما دلیل دیگری به غیر از درمان و سیاحت در یک منطقه سنتی برای سفر وجود دارد. میراث فرهنگی و کهن ایران زمین می‌تواند دلیلی برای کشش مسافران به شهرهای مختلف باشد. هخامنشیان و شکوه‌شان زبانزد و مایه افتخار ایرانیان است. در اعتقاداتشان چینوت و صراط یکی است و از آذر گداخته دوزخ یاد می‌کنند.

مردمان اورامان تخت، هر سال دوبار در نیمه بهار و نیمه زمستان عروسی پیر شالیار را جشن می‌گیرند، ذکر می‌گویند و خدا را یاد می‌کنند. در افسانه‌های مردم منطقه اورامانات پیری اسطوره‌ای به نام پیر شالیار هست که می‌گویند صاحب کرامات بوده است.

از جمله این کرامات عجیبی که در باره او روایت می‌کنند ماجرای شفا یافتن شاه بهار خاتون دختر شاه بخاراست که پیر شالیار او را شفا می‌دهد. در نیمه بهار و نیمه زمستان به یاد پیرشالیار تمامی اهالی روستا جمع می‌شوند، دور هم حلقه می‌زنند، دست به دست می‌دهند و به دعا و نیایش می‌پردازند.

در هر مراسم عروسی پیرشالیار، حدود چهارصد نفر در حلقه نیایش می‌نشینند و حدود ۲۰۰ نفر کف می‌زنند. از روستاهای اطراف هم همه برای تماشای این مراسم به اورامان تخت می‌آیند و فراز پشت بام‌ها به نظاره می‌نشینند.

در عروسی پیرشالیار آش مخصوص هم پخته می‌شود و به اهالی روستا داده می‌شود. مردم عقیده محکمی به پیرشالیار دارند و بیمارانشان را برای شفا گرفتن به این مراسم می‌آورند. مراسم دعا و نیایش در مقبره پیرشالیار برگزار می‌شود. پس از دعا و نیایش مردم به داخل قبرستان می‌روند و با میله آهنی به سنگ بزرگی که در قبرستان است می‌زنند و تکه ای از آن را می‌شکنند و خرده‌های سنگ را بین مردم تقسیم می‌کنند. عروسی پیرشالیار در جمعه‌ای که به نیمه بهار و نیمه زمستان نزدیک تر باشد برگزار می‌شود تا همه بتوانند در آن شرکت کنند.

مردم مهربان و معتقد اورامان تخت که به لهجه اورامی که در گذشته زبان کتابت به شمار می‌آمده و لهجه رسمی بوده سخن می‌گویند در هر عروسی پیرشالیار میزبان گردشگران و فرهنگ دوستانی از سراسر ایران و خارج از ایران هستند.